

معرفی جامع الافکار و ناقدالانظار و میزان تأثیرپذیری حکیم نراقی از ملاصدرا

عبدالله صلواتی*

چکیده

جامع الافکار و ناقد الانظار تألیف ملامحمد مهدی نراقی (۱۱۲۸ - ۱۲۰۹) اثری کلامی - فلسفی و دایرة المعارفی از آرای حکما، متکلمان و عرفاست که در آن عمدتاً آرای اندیشمندان به نحو تفصیلی مطرح می‌شود. افزون بر آن، اثر حاضر ناظر به مباحث تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی و حواشی شرح جدید تجرید است. گفتنی است در این اثر، حکیم نراقی با موضعی نقادانه آرای گوناگون را طرح و نقد می‌کند.

در این مقاله ضمن بررسی اجمالی جامع الافکار با ارائه شواهدی از این کتاب و دیگر آثار نراقی میزان تأثیرپذیری حکیم نراقی از ملاصدرا مورد بررسی قرار می‌گیرد و بیان می‌شود که وی به آثار ملاصدرا و آرای خاص او تسلط کامل داشته و بر آن بوده تا فلسفه خویش را همانند فلسفه صدرایی بر پایه وجود بنا نهد. همچنین وی بسیاری از اصول و مبانی صدرایی همانند اصالت وجود، جمعولیت وجود، تشخص به وجود و... را می‌پذیرد، اما نکته اساسی در فلسفه نراقی آن است که او برخی از مسائل حکمت متعالیه همانند حرکت جوهری - و مهم تر و مقدم تر از همه - اصل محوری تشکیک خاصی وجود را رد می‌کند. بنابراین فلسفه او در برخی مراحل، با حکمت متعالیه همگام است و در برخی از مراتب فاصله عمیقی با آن دارد.

کلید واژه: جامع الافکار و ناقد الانظار، حکمت متعالیه، حکمت اشراق، تشکیک عامی و خاصی، الهیات تنزیهی.

۱. معرفی اجمالی جامع الأفکار

جامع الافکار، دایرة المعارفی در کلام و فلسفه اسلامی است که در آن آرای گوناگون حکماء، متکلمان و عارفان به طور مفصل مطرح شده است. برای نمونه در باب اثبات واجب ۱۵ وجه از ادلة حکمای الهی و در باب توحید ۲۲ دلیل از سوی متفکران ارائه می‌شود.

همچنین اثر حاضر ناظر به شرح جدید تجرید (= شرح فاضل قوشچی - متوفی ۸۷۹ - بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیر طوسی) و حواشی آن - همانند حاشیه خفزی، دوانی، دشتکی و - بوده است و علاوه بر آن و دیگر آثار کلامی از حکیمانی چون فارابی، بوعلی، بهمنیار، شیخ اشراق، میرداماد و ملاصدرا استفاده کرده است. حکیم نراقی در باب وجه تسمیه کتاب حاضر می‌گوید:

ولاشتماله علی جمیع الأفکار الإلهیة و نقدها سیما مع ما تعلق بالشرح الجدید للتجرید من الحواشی سمیته بـ جامع الأفکار و ناقد الأنظار.

شایان ذکر است حضور جدی روایات شیعی را می‌توان از ویژگی‌های عمده این اثر دانست (برای نمونه: ج ۱، ص ۲۰۵ - چهار روایت -، ص ۳۱۸، ۳۸۵؛ ج ۲، ص ۲۲۱ - در آن هفت روایت از امام علی (ع) و دیگر ائمه معصومین (ع) نقل شده است -، ص ۳۸۵، ۳۹۵، ۳۹۶). به تصریح حکیم نراقی، نگارش جامع الافکار در اول ربیع الاول ۱۱۹۳ پایان یافته است (جامع الافکار، ج ۲، ص ۵۹۸).

محقق نراقی در جامع الافکار پیرامون الهیات بالمعنی الأخص بحث می‌کند و در آن پس از ارائه مقدماتی، در مقاله اول به اثبات واجب الوجود می‌پردازد و در باب اول مقاله دوم صفات ثبوتی و سلبی واجب الوجود را مطرح می‌کند؛ در بخش صفات ثبوتی کمالی از قدرت حق، کیفیت حدوث عالم، کیفیت ربط حادث به قدیم، بیان مذهب محقق طوسی از اقسام حدوث، مسلک صوفیه در باب اثبات عموم قدرت، علم حق به ذاتش، کیفیت علم حق به اشیاء، حیات، اراده، سمع و بصر، کلام، صدق، سرمدیت و بقا سخن می‌گوید. و در دومین باب از مقاله دوم به صفات سلبی حق می‌پردازد و در آن نفی انحاء ترکیب از حق همانند ترکیب وجود و ماهیت و ترکیب ذات و صفت، نفی مشارکت حق با اشیاء در مفاهیم و نفی جوهریت از حق و... مطرح می‌کند.

همچنین برخی از مباحث فرعی کتاب عبارتند از: براهین نه‌گانه ابطال تسلسل، بدهت معرفت وجود صانع و نظری بودن معرفت وجود واجب بالذات و صفات کمالی

حق، اقسام شش گانه فاعل، کیفیت حدوث عالم، بطلان زمان موهوم، رابطه صفات و ذات حق، رابطه اراده و علم اصلح، انفکاک علت و معلول، بحث از شرور.

معرفی تصحیح جامع الافکار و ارائه برخی نکات

ارائه فهرست اجمالی و تفصیلی، پاراگراف بندی دقیق مطالب و ذکر برخی از مصادر تحقیق را می توان از نکات قوت تصحیح حاضر به شمار آورد.
طرح برخی نکات:

۱. به نظر می رسد ذکر برخی از نکات در تصحیح حاضر خالی از فایده نباشد.
۱. عدم ارائه روش واحد در ویرایش متن و به کارگیری علائم هجایی (برای نمونه ← ج ۱، ص ۴۱، قس همان، ص ۳۵).
۲. فقدان کتابشناسی برای مصادر و مآخذ تحقیق.
۳. عدم ارائه تصویر نسخ و اصطلاحات کتاب.
۴. اختصار بیش از حد مقدمه که در آن کتاب به درستی معرفی نشده است.
۵. ضعف اساسی این تصحیح عدم ارائه بسیاری از مآخذ و مصادر تحقیق است؛ اگر چه مصحح محترم در مقدمه کتاب (ص که) بیان داشته اند مآخذ اقوالی را که با عبارات کلی «بعض العلماء» و «بعض العرفاء» ذکر نمی کند، اما وعده می دهد مآخذ اقوالی که مؤلف به نام آنها تصریح کرده اشاره کند، اما متأسفانه در این تصحیح، وعده مذکور عملی نشده است (برای نمونه: ج ۱، ص ۱۳ (الشفاء)؛ ص ۴۱ (المبدأ و المعاد)؛ ص ۸۲ (التحصیل)؛ ص ۱۹۵ (دلیل الهدی)؛ ج ۲، ص ۵۹، ۷۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۶۹، ۲۱۰، ۳۱۳، ۳۸۹ (التعلیقات)، ۱۳۹، ۱۴۰ (المطارحات)، ۱۸۰ (الأسئلة و الأجوبة)، ۵۷۹، ۵۸۰ (الشفاء)، ۵۸۱ (الهیات الشفاء).

۲. میزان تأثیر پذیری حکیم نراقی در جامع الافکار و دیگر آثارش از ملاصدرا در تبیین فرآیند تأثیر پذیری علمی، ضروری است بین مفهوم «مورد استفاده قراردادادن آثار و اقوال متفکران» و مفهوم «مبنای کار قرار دادن آنها» تفاوت قائل شد. بنابر آنکه ممکن است متفکری از رأی و نظر اندیشمند پیشین استفاده کند، اما آن را مبنای کار علمی خویش قرار ندهد و از آن به عنوان مؤلفه محوری و زیرساخت سایر تفکرات خویش بهره نجوید و یا مطالب مورد استفاده را مورد نقد قرار دهد. در باب

تأثیر پذیری حکیم نراقی نیز باید به این مهم توجه داشت و صرفاً موارد استفاده او از ملاصدرا را به عنوان تأثیر پذیری وی از ملاصدرا قلمداد نکرد. البته اگر استفاده مکرر و مفصل را بتوان نوعی تأثیر پذیری دانست، تأثیر پذیری را می توان دارای دو سطح استفاده تفصیلی و مبنای کار علمی قرار دادن تلقی کرد. لذا در این جستار سعی شده تا با ارائه دو بخش؛ الف. استفاده حکیم نراقی از ملاصدرا و ب. مبانی صدرایی در اندیشه محقق نراقی معلوم شود که اولاً؛ حکیم نراقی با آثار ملاصدرا آشنا بوده و با تسلط بر آرای او، در آثار خویش از آنها استفاده کرده است. و ثانیاً؛ وی برخی مبانی صدرایی را به عنوان مبانی فلسفه خویش می پذیرد.

۱-۲. بخش اول: استفاده حکیم نراقی از آثار ملاصدرا

اگرچه حکیم نراقی در آثار مهم خویش همانند جامع الأفكار و اللمعات به نام ملاصدرا و آثار وی تصریح نکرده، اما با بررسی آثار این دو بزرگوار و تطبیق آنها با هم معلوم می شود حکیم نراقی در اغلب موارد از ملاصدرا با عناوینی مثل «بعض العرفاء»، «بعض العرفاء المحقق»، «بعض الأعاضم» و «العارف الشیرازی» یاد می کند و در موارد زیادی نیز بدون هیچ یاد و عنوانی از وی مطالبی - به تفصیل یا اجمال، بدون اعمال تغییر یا با تغییر - از آثارش - همچون اسفار اربعة، الشواهد الربوبية و مبدأ و معاد - نقل می کند. البته گفتنی است وی در قره العیون از آثار ملاصدرا نام برده و از آنها استفاده می کند که در این مقاله به مواردی از آنها در سه اثر جامع الأفكار، اللمعات و قره العیون اشاره می شود:

۱-۱-۲. جامع الأفكار

آثار ملاصدرا		جامع الأفكار، ج ۲	
صفحه	نام اثر	موضوع بحث	صفحه
۱۴۱-۱۴۴	مبدأ و معاد	ارائه تمهیداتی در بیان آنکه علم حق به اشیاء به حضور اشیاء است نه حصول صورت	۱۴۱-۱۴۴
۱۲۲			
۱۴۴-۱۴۶	مبدأ و معاد	ارائه دلایلی بر حصولی نبودن علم حق	۱۴۴-۱۴۶
۱۴۸		تعالی به اشیاء	۱۴۸
۱۲۲، ۱۲۳			

۱۶۵	قاعده بسیط الحقیقه کلّ الاشیاء. حکیم نراقی عینیت حق با اشیا در این قاعده را عینیت به اعتبار شهود علمی می‌داند نه آنکه وجود ممکنات را پس از عاری کردن از نواقص عین وجود واجب بداند (ص ۱۶۷)	الشواهد الربویة	۴۷
۱۷۴-۱۷۵	تمثیل به علم انسان در مبحث علم واجب	اسفار، ج ۶	۲۴۱-۲۴۳
۱۹۱-۱۹۴	مذهب شیخ اشراق در علم حق	مبدأ و معاد	۱۲۴-۱۲۶
۱۹۹	استدلال شیخ اشراق در عدم جواز ارتسام صور در جواهر عقلیه	مبدأ و معاد	۱۳۰
۱۹۹-۲۰۰	اشکال عدم حصول اثر و مطابقت در علم حضوری	مبدأ و معاد	۱۲۷
۲۰۱-۲۰۲	پاسخ ملاصدرا به یک اشکال (= علم حضوری حق به اشیا مستلزم آن است که علم حق به اشیا فعلی و صدور اشیا اختیاری نباشد)	مبدأ و معاد	۱۳۰-۱۳۱
۱۷۶	اشکال بر احتمال اول در علم اجمالی (= چگونه شیء واحد بسیط می‌تواند صورت علمیه برای امور مختلف و متکثر باشد)	مبدأ و معاد و اسفار ج ۶	۱۳۳-۲۴۴
۲۰۹-۲۱۱	حق تعالی بذاته به جمیع موجودات علم دارد نه به واسطه غیر.	مبدأ و معاد	۱۳۷-۱۳۹

بنابراین، اگر چه حکیم نراقی در جامع الافکار از ملاصدرا و آثار او نامی نبرده، اما تنها در بخشی از مبحث علم واجب در جامع الافکار بیش از بیست صفحه - که اکثر آنها عین عبارات ملاصدراست و در مواردی تفاوت اندکی در ترتیب مطالب و عبارات به چشم می‌خورد - استفاده کرده است.

۲-۱-۲. اللمعات العرشية

حکیم نراقی در این اثر از ملاصدرا و آثار وی نامی نبرده، اما در آن به آثار ملاصدرا توجه داشته و از آن استفاده کرده است. به عنوان نمونه در بحث تشخیص و اینکه تشخیص به وجود است و ارجاع آرای دیگران به عقیده مذکور، عبارات اسفار را تقطیع کرده و با ترتیبی که خود مدنظر داشته آورده است. (اللمعات العرشية، صص ۱۹ - ۲۲؛ قس: اسفار اربعة، ج ۲، صص ۱۰ - ۱۲؛ و نیز الشواهد الربوبية، صص ۱۱۳ - ۱۱۵). همچنین وی در بیان اشتباه جهله صوفیه (= عدم تحقق بالفعل حق تعالی جدای از مظاهر) عبارات اسفار را نقل می‌کند (اللمعات، صص ۱۱۴ - ۱۱۵؛ قس: اسفار، ج ۲، صص ۳۴۵ - ۳۴۶) گفتنی است حکیم نراقی در عبارات مذکور، ملاصدرا را از مصرین به وحدت یاد می‌کند.

۲-۱-۳. قرة العيون

حکیم نراقی در قرة العيون - برخلاف جامع الافکار و اللمعات - در مواردی صریحاً از ملاصدرا و آثار وی نام می‌برد. چنان که در برخی از فرازهای قرة العيون می‌نویسد: «قال العارف المتأله الشيرازي في الجزء الأخير من السفر الاول (قرة العيون، ص ۴۹۲)؛ «قال - طاب ثراه - في السفر الاول من الأسفار» (قرة العيون، ص ۴۷۶)؛ «فمنها ما ذكره العارف الشيرازي طاب ثراه: كما تقدم عباراته و قد ذكره في جميع كتبه كالاسفار و الشواهد الربوبية و غيرهما» (قرة العيون، صص ۴۹۳ - ۴۹۵، قس: اسفار، ج ۲، صص ۲۹۹ - ۳۰۱ در بحث ارجاع علیت به تشان). افزون بر آن در موارد بسیاری بدون ذکر صریح نام و آثار ملاصدرا و با عباراتی چون عارف شیرازی، عارف محقق شیرازی و بعضی عرفاء عباراتی را از اسفار نقل می‌کند. (برای نمونه: قرة العيون، صص ۴۲۴ - ۴۲۵، قس: اسفار، ج ۲، صص ۳۴۵ - ۳۴۶ در بحث نفی پندار جهله صوفیه در توحید؛ قرة العيون، صص ۴۱۷ - ۴۱۹، قس: اسفار، ج ۲، صص ۳۱۸ - ۳۲۱ در بحث اثبات تکثر در حقایق امکانی).

۲-۲. بخش دوم: مبانی و آراء صدرایی در اندیشه حکیم نراقی

بنابر موارد استفاده حکیم نراقی از آثار ملاصدرا، می‌توان نراقی را در مبانی و آرای ذیل متأثر از صدر المتألهین دانست:

۱) اصالت وجود:

حکیم نراقی در آثارش به طور مفصل از تحقق بالذات و عینیت وجود (= اصالت وجود) سخن می‌گوید؛ چنان‌که در اللمعات (صص ۷-۱۱) و قره العیون (صص ۳۷۷-۳۹۱) با طرح اصالت وجود و ارائه براهین آن به شبهات پیرامون آن پاسخ داده و قول به اصالت ماهیت را مورد نقد قرار می‌دهد. در جامع‌الافکار (ج ۲، ص ۴۷۰؛ ج ۲، ص ۵۳۰-۵۳۱) و شرح الهیات شفا، ص ۳۶۴ نیز اصالت وجود، تصریحاً یا به نحو مقتضی مطرح شده‌اند.

۲) مجعولیت وجود:

ملا مهدی نراقی در آثارش نظریه‌های رقیب مجعولیت وجود، همانند مجعولیت ماهیت، مجعولیت اتصاف را سخت رد کرده و با ارائه ادله‌ای جعل را از آن وجود معرفی می‌کند. بحث تفصیلی این مسأله در قره العیون (صص ۳۹۱-۴۱۱) و اللمعات العرشیه (ص ۷۷ به بعد، ۱۵۰) به چشم می‌خورد. همچنین در شرح الهیات شفا (ص ۳۶۴) نیز از آن بحث می‌کند. و در جامع‌الافکار (ج ۱، ص ۴۳۹) مجعولیت وجود را از زبان العرفا (= ملاصدرا) گزارش می‌کند.

۳) تشخیص به وجود است:

حکیم نراقی همانند ملاصدرا تشخیص را به وجود دانسته و سایر آراء در باب تشخیص را به آن بر می‌گرداند (اللمعات، صص ۱۹-۲۲؛ قره العیون، صص ۴۰۹-۴۱۰؛ جامع‌الافکار، ج ۱، ص ۴۴۶؛ ج ۲، ص ۵۳۵).
شایان ذکر است حکیم نراقی به پیروی از ملاصدرا مباحث قره العیون را بر اساس مسأله وجود تدوین می‌کند و وجود را قره العیون ارباب تجرید و اعلی مقاصد الهی و اسنی مطالب حکمی و غایت عظمی در مباحث متعالیه دانسته و جهل بدان را مستلزم جهل به اکثر مسائل می‌داند؛ چنان‌که در فلسفه صدرایی نیز مسائل بر مبنای وجود طرح ریزی شده و جهل به مسأله وجود، جهل به جمیع اصول معارف معرفی شده است (قره العیون، صص ۳۵۳-۳۵۴، قس: الشواهد الربوبیه، ص ۱۴).

۴) حق تعالی فاعل بال‌عنایه است:

ملا مهدی نراقی در مبحث فاعلیت حق تعالی - همانند ملا صدرا و با استفاده از عین عبارات وی - پس از بیان اقسام فاعل، خداوند را فاعل بال‌عنایه معرفی می‌کند؛ البته فاعل بال‌عنایه‌ای که در آن علم عین ذات است نه فاعل بال‌عنایهٔ مشائی که در آن صورتسمه و علم زاید بر ذات مطرح است (جامع الأفکار، ج ۱، صص ۱۷۳ - ۱۷۱؛ قس: مبدأ و معاد، صص ۱۵۲ - ۱۵۳).

گفتنی است ملا صدرا در الشواهد الربوبیه (ص ۵۵) با مفهوم سازی در فاعل بال‌عنایه، از فاعل بال‌عنایه‌ای که در آن علم عین ذات است به فاعل بالتجلی یاد می‌کند و در مقابل آن فاعل بال‌عنایهٔ مشایی را مطرح می‌کند که در آن صورتسمه و زاید بر ذات اند. همچنین او در برخی موارد آرای او را که ملا صدرا از پیشینیان پذیرفته، مورد تأیید قرار داده و به عنوان رأی مختار برمی‌گزیند (ع دنباله مقاله).

بنابر شواهد ارائه شده، محقق نراقی در آثارش به‌طور مکرر و مفصل از آثار و آراء ملا صدرا استفاده کرده و در برخی از مبانی فلسفی متأثر از ملا صدراست. لذا متأثر ندانستن وی از ملا صدرا در هر یک از بخش‌های «استفاده از آثار» و «مبنای کار قرار دادن آنها»، ناشی از عدم آشنایی با فلسفهٔ صدرایی، عدم کنکاش در جامع الافکار و دیگر آثار نراقی و عدم تطبیق آن با آثار ملا صدراست.

افزون بر آن در باب تأثیر پذیری حکیم نراقی از ملا صدرا، بی‌مناسبت نیست که سخن مرحوم سید جلال آشتیانی را در این باره نقل کنیم:

مرحوم نراقی در حکمت الهی به آخوند ملا صدرا بسیار توجه داشته و از آثار او در همه جا متأثر است و در تحریر مشکلات و عویصات از آخوند استفاده نموده است (منتخبانی از آثار، ج ۴، ص ۳۵۲).

۳. نمونه‌هایی از مخالفت حکیم نراقی با ملا صدرا

چنان که مطرح شد، مرحوم نراقی در آثارش موضع منتقدانه‌ای نسبت به مباحث مطرح شده دارد. از این رو وی در قبال آرای ملا صدرا، ضمن قبول بسیاری از آراء و مبانی وی، برخی از آرای ملا صدرا را نمی‌پذیرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۳-۱. تشکیک خاصی:

حکیم نراقی در مواضع متعددی از آثارش بیان می‌کند که تشکیک صرفاً از آن مفهوم وجود است نه حقیقت وجود. به این بیان که صدق وجود عام بر مصادیق (= وجودات خاصه متخالف بذاته) مشکک است و اشتراک در امر عرضی (= وجود عام لازم) مستلزم اشتراک در ذاتی نیست، بنابراین واجب و ممکن تنها در امور انتزاعی و لازم اشتراک دارند نه در امور داخلی و ذاتی.

آنهايي که به فلسفه اسلامی آشنایی دارند به خوبی می‌دانند که تشکیک نراقی همان تشکیک عامی (= که در آن مابه الاشتراک - مفهوم وجود - غیر از مابه الاختلاف - وجودات خاصه - بوده) است که خواجه نصیر طوسی در فصل اول نمط چهارم شرح اشارات مطرح می‌کند، اما تشکیک خاصی صدرايي دارای احکام متفاوتی با تشکیک عامی نراقی است؛ به این بیان که متعلق تشکیک خاصی، حقیقت هستی است و بالعرض آن تشکیک در مفهوم وجود راه می‌یابد. افزون بر آن در تشکیک خاصی وحدت و کثرت حقیقی است و هر یک از آنها به دیگری بر می‌گردد. بنابراین مابه الاختلاف عین مابه الاشتراک است بدون آنکه ترکیبی در حقیقت هستی پیش آید. همچنین تشکیک در مفهوم وجود بدون تشکیک در وجودات خاصه امکان پذیر نیست و اشتراک در عرضی (= مفهوم وجود) مستلزم اشتراک در ذاتی است، بنابر آنکه از مصادیق متباین بما هی متباین مفهوم واحدی انتزاع نمی‌شود (اسفار، ج ۶، ص ۶۲؛ ریح مختوم، ج ۱ بخش ۵، صص ۵۴۷-۵۵۸؛ وحدت از دیدگاه عارف و حکیم، صص ۵۲-۵۳).

برخی از شواهد تشکیک عامی و نفی تشکیک خاصی در آثار مرحوم نراقی عبارتند از:

۳-۱-۱. جامع الأفكار:

حکیم نراقی در باب تحلیل ملاصدرا از قاعده «بسيط الحقیقة کل الأشياء»، دو احتمال مطرح می‌کند؛ احتمال اول: واجب صرف وجود است و وجودات اشياء مشوب به قوه و عدم و فائض از حق‌اند. و با تحلیل وجودات امکانی به وجودهای صرف و عدمها می‌رسیم و وجود واجب مشتمل بر آن وجودهای صرف است، بنابراین وجود واجب فوق تمام و مشتمل بر هر مرتبه مادون است مع الاضافه بدون آنکه عین مراتب

مادون گردد. احتمال دوم: وجود واجب عین وجود ممکنات عاری از اعدام است و در پایان می‌گوید: احتمال اول مبتنی بر تشکیک وجود و اقوی و اشد بودن وجود واجبی است و احتمال دوم مبتنی بر وحدت وجود بلکه وحدت موجود است. و هر دو عقیده (= تشکیک وجود و وحدت وجود) مشتمل بر مفساد است و ما آن را در رسالهٔ قره‌العیون بیان کردیم (جامع‌الافکار، ج ۲، صص ۱۶۶-۱۶۷).

۲-۱-۳. اللمعات العرشية:

حکیم نراقی در اللمعات (صص ۲۲-۲۵) تصریح می‌کند وجودات خاصه بذواتها متخالف بوده و اشتراک در ذاتی ندارند و اشتراک آنها تنها در لازمی به نام وجود عام است و وجود عام منتزع از حقایق وجودی اولاً و بالذات مقول به تشکیک است و به واسطهٔ آن وجودات خاصه مشکک‌اند. همچنین وی معتقد است اشتراک در امر عرضی (= وجود عام لازم) مستلزم اشتراک در ذاتی نیست. وی در موضع دیگری از اللمعات (ص ۲۱۰) تشکیک را از احکام وجود عام مطرح می‌کند.

۳-۱-۳. روی آورد حکیم نراقی در عدم پذیرش تشکیک خاصی

هرچند حکیم نراقی در مواردی از حکمت مشاء فاصله می‌گیرد و به حکمت اشراق و حکمت متعالیه روی می‌آورد، اما باید دانست دلبستگی وی به حکمت مشاء بیش از سایر مشرب‌های فلسفی است. از این رو به نظر می‌رسد وی در قلمرو حکمت متعالیه، آن دسته از مبانی را که برگرفته از حکمت مشائی یا ریشه در آن دارد پذیرفته و مبانی و مسائلی را که ناسازگار با دستگاه فلسفی مشائی و الهیات تنزیهی حاکم بر آن است رد می‌کند. در باب تشکیک خاصی صدرايي نیز مرحوم نراقی بنا بر الهیات تنزیهی، هرگونه اشتراک حقیقی و خارجی بین واجب و ممکن را نفی نموده و تنها اشتراک اعتباری واجب و ممکن را در مفهوم وجود می‌پذیرد و به همین دلیل تشکیک خاصی را که مستلزم اشتراک واجب و ممکن در حقیقت است رد می‌کند (اللمعات، ص ۷۶). در حالی که عدم اشتراک بین واجب و ممکن مستلزم عدم سنخیت حقیقی بین علّت و معلول و عدم هرگونه افاضه و استفاضه بین آن دوست. (برای تفصیل بنگرید به نگاهی کوتاه به اللمعات، صص ۵۹-۶۰). البته شایان ذکر است محقق نراقی در موارد اندکی

(قرّة العیون، ص ۳۷۴ - ۳۷۵؛ شرح الهیات شفاء، ج ۱، ص ۴۲۶ - ۴۲۸) از تشکیک خاصی سخن می‌گوید، اما بنا بر شواهد ارائه شده در باب نفی صریح تشکیک خاصی از سوی ملا محمد مهدی نراقی، باید اقوال مؤید تشکیک خاصی را به عنوان متشابهات آراء وی تلقی کرد و آن را به نفی تشکیک خاصی که از محکّمات آراء اوست ارجاع داد و ذکر تشکیک خاصی را در فلسفه نراقی صرفاً در حدّ نقل قول آراء ملا صدرا در این باب دانست. چنان که وی در شرح الهیات شفا (همانجاها) عبارت صدرا را از تعلیقه بر الهیات شفاء ملا صدرا (ج ۱، ص ۱۲۹ - ۱۳۱) بازگو می‌نماید. افزون بر آن وی در اللّمعات (ص ۲۷) عبارتی از شرح الهیات شفا (ج ۱، ص ۴۲۹) در باب تشکیک را - که خود گزارش کرده بود - مورد نقد قرار می‌دهد.

همچنین حکیم نراقی متأثر از این فضای تنزیهی، ظلیت عالم برای وجود حق را نوعی نقص برای حق به شمار آورده و معتقد است با پذیرش ظلیت عالم نسبت به حق، اشیاء پست نیز محاکمی حق بوده و تصوّر آنها، تصوّر حق تعالی است؛ در حالی که خداوند منزّه و متعالی از چنین اموری است (اللّمعات، ص ۱۲۹).

بنابراین با حذف اصل محوری تشکیک خاصی در فلسفه نراقی بسیاری از مباحث مرتبط با تشکیک خاصی در آن قابل طرح نیستند؛ به همین دلیل و به دلیل عدم تبیین درست از دیگر مبانی صدرایی مباحث مهمی چون حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول و غیره در فلسفه نراقی مورد نقد قرار می‌گیرد (اللّمعنة الالهیة، ص ۱۰۹).

۲-۳. وحدت شخصیه وجود: بشکای علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ملا صدرا ی شیرازی در مبحث علت و معلول اسفار و الشواهد الربویة پس از تبیین و بررسی حقیقت علت و معلول، معلول را عین الربط به علت - نه ذاتی که دارای ارتباط با علت است - و فاقد هرگونه وجود مستقل معرفی می‌کند. بنابراین معلول را ظل، وجه، شأن، مظهر و تجلی علت می‌داند و وجود حقیقی از آن وجود واجبی است. اما حکیم نراقی معتقد است با توجه به اینکه مجعول امر متحقق است، بین جاعل و مجعول تعدّد و کثرت حقیقی مطرح است؛ در حالی که بنا بر گفتار ملا صدرا معلول از شؤونات علت است و شأن و وجه امر اعتباری است و بین شأن و ذی شأن تعدّد و کثرت اعتباری برقرار است نه کثرت حقیقی، لذا وی نظریه ملا صدرا را در این باره نمی‌پذیرد (قرّة

العیون، ص ۴۹۷). از سوی دیگر وی قائل به تباین بین جاعل و مجعول است و تباین با تشآن سازگار نیست (قره العیون، ص ۳۹۳).

۳-۳. علم قبل از ایجاد حق بر مبنای قاعده بسیط الحقیقه :

صدرالمتألهین علم حق تعالی به اشیاء قبل از ایجاد آنها را مبتنی بر قاعده «بسیط الحقیقه کل الاشیاء» می داند که بر اساس آن ذات حق مظهر جمیع اسماء و صفات است و آینه‌ای است که با آن صور کلیه ممکنات مشاهده می گردد؛ البته بدون آنکه حلول صور اشیاء در ذات و اتحاد ذات با آنها لازم آید (المشاهد الربوبیه، ص ۴۰). گفتمی است ملاصدرا از این شیوه در اثبات علم قبل از ایجاد حق به طریق اختصاصی یاد می کند و به دلیل غموض و پیچیدگی مطلب از تفصیل و تنصیب آن خودداری می کند (المشاهد الربوبیه، ص ۴۰).

حکیم نراقی نیز در این مبحث عین عبارات ملاصدرا را نقل می کند و در پایان نظریه مذکور را مناسب اسلوب مباحثه و موافق قواعد عقلی ندانسته است، چنان که می نویسد:

أنت خبير بأنّ هذا الوجه لا يناسب أسلوب المباحثه و النظر و لا یوافق القواعد العقلية التي لنا الی درکها سبیل فالاعراض عنه حقیق (جامع الافکار، ج ۲، ص ۲۱۴).

۴. حکیم نراقی و حکمت اشراق:

بحث از مثل افلاطونی، تقسیم انوار مجرّده به عقول و ارباب انواع، مشاهده بلا واسطه نور الأنوار (= هر نور مجردی نورالانوار را بدون واسطه مشاهده می کند) و پذیرش علم حضوری حق به اشیاء و غیره را می توان از موارد تأثیر پذیری حکیم نراقی از حکمت اشراق دانست (اللمعات، صص ۴۲۶-۴۲۷؛ اللمعة الالهیه، صص ۱۲۰؛ جامع الافکار، ج ۲، صص ۱۹۱-۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۹).

وی در جامع الافکار (ج ۲، صص ۱۹۷-۱۹۹) متأثر از ملاصدرا و با طرح عبارات وی، نظریه شیخ اشراق در باب علم حضوری تفصیلی حق به اشیاء پس از پیدایش آنها را پذیرفته و در این باره می گوید: «هذا المذهب هو الذي ثبت عندنا حقیته و اخترناه» و علاوه بر آن، جهت تصحیح علم تفصیلی ماقبل الایجاد در حکمت اشراق به نحوه‌ای از

علم حضوری تفصیلی حق قبل از ایجاد و در مقام ذات نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «و الحق عندنا سبق علمه تعالی علی الوجودات الأشیاء و تحقیقه فی مرتبة ذاته»، «و بالجملة فالحق فی کیفیت علم هو ما ذکرناه سواء كان مطابقاً لمذهب الشیخ الإلهی أو خالفه فی جزء واحد».

۵. حکیم نراقی و عرفا:

گرچه حکیم نراقی عمدتاً آرای عرفا - به ویژه اصل بنیادین وحدت شخصیه وجود - را مورد نقد قرار می‌دهد و آنها را نمی‌پذیرد، اما در مواردی گفتار عرفا را تأویل می‌کند. به عنوان مثال وی در بررسی تأویلاتی از آرای عرفا در قره العیون (صص ۵۲۴-۵۲۵) وحدت شخصیه را به تأکید بر معیت حق و خلق، شدت ارتباط بین علّت و معلول و قیومیّت علّت از برای معلول تأویل می‌نماید. و در جامع الافکار (ج ۱، ص ۴۵۳) مسلک صوفیه در باب اثبات عموم قدرت حق را مبتنی بر وحدت وجود دانسته و عقل امثال خویش را قاصر از فهم و قبول آن معرفی می‌کند.

به نظر می‌رسد طرح وحدت شخصیه وجود در اسفار (ج ۲، صص ۲۹۹-۳۰۱) و الشواهد الربوبیه (صص ۵۰-۵۱) با ارجاع علیت به تشآن و حضور چشمگیر آراء و اقوال عرفا در آثار ملاصدرا سبب شده تا حکیم نراقی، ملاصدرا را از مصران به وحدت دانسته و در جامع الافکار و دیگر آثارش از ملاصدرا به عارف یاد کند.

منابع و مآخذ

۱. ابن سینا، الأشارات و التنبیها، ج ۳، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ریح مختوم، ج ۱، بخش ۵، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵.
۳. علامه حسن زاده آملی، حسن، وحدت از دیدگاه عارف و حکیم، انتشارات فجر، ۱۳۶۲.
۴. شیرازی، صدرالمآلهین، اسفار اربعه، ج ۲ و ۶، چاپ مصطفوی، قم، بی تا.
۵. _____، شرح و تعلیقه صدرالمآلهین بر الیهات شفاء، ج اول، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲.
۶. _____، الشواهد الربوبیه، مشهد، ۱۳۶۰.
۷. _____، مبدأ و معاد، بیروت، دارالهادی، ۲۰۰۰ م.

۸. نراقی، ملا محمد مهدی، جامع الافکار و ناقد الانظار، ۲ ج، تصحیح مجید هادی زاده، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱.
۹. _____، رساله «قره العیون»، ضمن منتخباتی از آثار حکمای الهی، ج ۴، به اهتمام سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، چاپخانه دانشگاه، ۱۳۵۷.
۱۰. _____، اللّعات العرشیه، تصحیح علی اوجیبی، کرج، انتشارات عهد، ۱۳۸۱.
۱۱. _____، اللّعة الالهیه، به اهتمام سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات انجمن فلسفه و حکمت، ۱۳۵۷.
۱۲. _____، شرح الهیات شفاء، تصحیح ناجی اصفهانی، قم، کنگره بزرگداشت ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی، ۱۳۸۰.
۱۳. شایان فر، شهناز، «نگاهی کوتاه بر اللّعات العرشیه و برخی از اندیشه های حکیم بزرگوار ملا محمد مهدی نراقی»، فصلنامه آینه میراث، سال پنجم، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.

